

آموزش خواندن (روش های مطالعه)

«سری اول»

کتاب مردوباره است که می توان با مقداری پول تجربه تمام عمر بزرگ ترین عقلای عالم را تصرف کرد. "همو"

تعریف و اهمیت خواندن (سواد خواندن)

الف: تعریف خواندن (سواد خواندن)

خواندن، ترجمه‌ی مستقیم نمادهای نوشتاری فکر یا گفتار است و حصول توانایی در این زمینه مستلزم کسب مهارت‌های زیر است.

- ✓ بازشناسی حروف، کلمه‌ها و جمله‌های زبان در یک نوشته.
- ✓ درک معنای عناصر مذکور و کشف روابط معنایی موجود میان آنها که در نهایت به درک پیام جمله و متن منجر می‌شود.

بنابراین خواندن در حکم فرآیند معناسازی از متن به حساب می‌آید.

کمبل (۲۰۰۱) سواد خواندن را توانایی درک و استفاده از نمادهای نوشتاری زبان می‌داند که توسط جامعه مورد درخواست قرار می‌گیرد و توسط فرد ارزش گذاشته می‌شود.

ب: اهمیت خواندن

گسترش و پیشرفت علوم در قرن حاضر چنان سریع انجام شده است که «رنر» در سال ۱۹۶۴ اعلام داشته است، ۹۰٪ دانشجویان جهان در قید حیاتند و فقط مقاله‌هایی که در زمینه‌ی تحقیقات انتشار می‌یابد ۶۷۰۰۰ کلمه در دقیقه است. اگرچه ارائه‌ی این اطلاعات از طریق رسانه‌های غیر مکتوب و غیر چاپی رو به افزایش یافته و دنیای گسترده و وسیع تصویرهای تلویزیونی بر دنیای خط و چاپ سبقت گرفته است، اما افراد بسیاری وجود دارند که بی‌صبرانه مشتاق و علاقه‌مند به مطالعه‌ی روزنامه‌ها و مطالب نوشتاری، پس از برنامه‌های تلویزیونی می‌باشند تا بتوانند دنباله‌ی جریان‌ها را پیگیری کنند. طولانی شدن دوره‌های آموزش عمومی و اجباری، ضرورت گذراندن مدارج تحصیلی برای کسب شغل، اجرای

امتحانات مشکل در مدرسه‌ها، طی دوره‌های کارآموزی و ... همه حاکی از آن است که امروزه زندگی را برای فرد ناخوانده مشکل نموده است. خواندن از جمله وسایل مهم فهمیدن در دنیای کنونی است. فرد می‌تواند نتیجه‌ی تحقیقات و مطالعات دیگران را که مدت‌ها به درازا کشیده شده است از طریق خواندن در مدت زمان کوتاهی فرا بگیرد. خوب خواندن از عوامل مهم پیشرفت و سرگرمی و لذت بردن و رفع خستگی است. امروزه باید به کودکان خود خواندن را بیاموزیم تا فردا بتوانند بخوانند و یاد بگیرند. پژوهش‌های مختلف ثابت کرده است که یکی از عوامل مهم در ایجاد نابسامانی‌های اجتماعی مانند بیکاری، ترک تحصیل، بزهکاری و حتی جرم و جنایت، ناتوانی در خواندن است. بنابراین نکته‌ی مهم در امر خواندن توجه و تأکید برای فهمیدن می‌باشد نه صرفاً خواندنی که به صورت عادت درآمده است. حال که ضرورت خواندن مشهود شد، لازم است تا مراد از آن را نیز با ارائه‌ی یک تعریف روشن سازیم. «خواندن عبارت است از درک مطالب نوشتاری و چاپی».

«ویور» در سال ۱۹۸۰ پژوهشی را که توسط «هارست» در این زمینه انجام گردیده است چنین نقل می‌کند: سؤالی از افراد پرسیده شد مبنی بر این که نظرتان در مورد خواندن و جریان یادگیری چیست؟ عمده‌ترین پاسخ‌های افراد به شرح زیر بود:

- خواندن عبارت است از ضبط اطلاعات کتب
- تلفظ حروف صدادار است
- عبارت است از در کنار هم قرار دادن صداها
- خواندن یادگیری لغات مشکل است
- خواندن عبارت است از فکر کردن

«هریس» و «سایپی» خواندن را چنین تعریف کرده‌اند: «خواندن، تفسیر معنادار نمادهای کلامی نوشته شده و یا چاپ شده است.» خواندن تقریباً همیشه فعالیتی با معناست. خواندن چیزی بیش از تطبیق صداها یا نمادهای نوشته شده و یا چاپ شده بر یک صفحه است. خواندن فرآیندی شناختی است که در آن دیدگاه‌های خواننده و فرآیند خواندن ارتباط زیادی با مطلبی که بناست فرا گرفته شود پیدا می‌کند. خواندن مهارتی است که همه‌ی ما آن را عادی می‌شماریم ولی در واقع فرآیندی پیچیده و عالی است که اجزای بسیار متفاوتی را در برمی‌گیرد.

«فرانک اسمیت» به عنوان اولین محقق، خواندن را به «عنوان یک طرح مداخله‌ی مستقیم خواننده در متن» معرفی می‌کند. او خواندن را به عنوان روش کاهش مجهولات می‌داند که برای تحقق این امر از طریق خواندن، چهار مرحله وجود دارد: «اطلاعات ترسیمی، اطلاعات آوایی (آواشناسی)، اطلاعات ترکیبی و اطلاعات معنایی».

محققانی که پیرامون راهبردها یا شیوه‌های خواندن بحث می‌کنند «خواندن» به عنوان یک فرآیند واحد را نسبت به «خواندن» به منزله‌ی مهارت‌های مستقل بیشتر مورد تأیید قرار داده‌اند. خواننده‌ی موفق معمولاً یک سلسله روش‌ها (راهبردهای) نمونه انتخاب می‌کند و سپس حداقل اطلاعات دیداری مناسب با مطالب را برمی‌گزیند در نتیجه آنها نیاز به همه‌ی علائم خاص ندارند.